



سرانجام پیلاتس عیسی را به آنها سپرد تا بر صلیبش کُشند. آنگاه عیسی را گرفته، بردند. ۱۷ عیسی صلیب بر دوش بیرون رفت، به سوی محلی به نام جمجمه که به زبان عبرانیان جُلْجُتا خوانده می‌شود. ۱۸ آنجا او را بر صلیب کردند. با او دو تن دیگر نیز در دو جانبش مصلوب شدند و عیسی در میان قرار داشت. ۱۹ به فرمان پیلاتس کتیبه‌ای نوشتند و آن را بر بالای صلیب نصب کردند. بر آن نوشته شده بود: 'عیسای ناصری، پادشاه یهود'. ۲۰ بسیاری از یهودیان آن کتیبه را خواندند، زیرا جایی که عیسی بر صلیب شد نزدیک شهر بود و آن کتیبه به زبان عبرانیان و لاتینی و یونانی نوشته شده بود. ۲۱ پس سران کاهنان یهود به پیلاتس گفتند: «منویس 'پادشاه یهود'، بلکه بنویس این مرد گفته است که من

پادشاه یهودم.» ۲۲ پیلاتس پاسخ داد: «آنچه نوشتم، نوشتم.» ۲۳ چون سربازان عیسی را به صلیب کشیدند، جامه‌های او را گرفته، به چهار سهم تقسیم کردند و هر یک سهمی بر گرفتند. و جامه زیرین او را نیز ستاندند. اما آن جامه درز نداشت، بلکه یکپارچه از بالا به پایین بافته شده بود. ۲۴ پس به یکدیگر گفتند: «این را تکه نکنیم، بلکه قرعه بپکنیم تا ببینیم از آن که شود.» بدین‌سان گفته کتب مقدس به حقیقت پیوست که: «جامه‌هایم را میان خود تقسیم کردند و بر تن‌پوش من قرعه افکندند.» پس سربازان چنین کردند. ۲۵ نزدیک صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، و نیز مریم زن کلوپاس و مریم مجدلیه ایستاده بودند. ۲۶ چون عیسی مادرش و آن شاگردی را که دوست می‌داشت در کنار او ایستاده دید، به مادر خود گفت: «بانو، اینک پسترت.» ۲۷ سپس به آن شاگرد گفت: «اینک مادرت.» از آن ساعت، آن شاگرد، او را به خانه خود برد. ۲۸ آنگاه عیسی آگاه از اینکه همه چیز به انجام رسیده است، برای آنکه کتب مقدس تحقق یابد، گفت: «تشنه‌ام.» ۲۹ در آنجا ظرفی بود پر از شراب ترشیده. پس اسفنجی آغشته به شراب بر شاخه‌ای از زوفا گذاشته، پیش دهان او بردند. ۳۰ چون عیسی شراب را چشید، گفت: «به انجام رسید.» سپس سر خم کرد و روح خود را تسلیم نمود.

در زمانی که عیسی بر روی صلیب کشته شد، حدود ۲۰۰۰ یهودی‌های یگر توسط رومیان مصلوب شدند. به همین دلیل است که برخی از انسان با تعجب می‌پرسند که چه چیزی در مورد صلیب و رنج عیسی بسیار ویژه است؟ برای پاسخ دادن به این سوال، ابتدا باید از باعث شر، بپرسیم؟ حتی در زمان ما چیزهای وحشتناکی وجود دارد که به ما مربوط می‌شود. در حال حاضر، بسیاری از افراد بی‌گناه از نتیجه جنگ می‌میرند. از کجا این بدیهه آمد و چرا؟ این سؤال است که به ما نیز بر روی صلیب نشان داده شده است. در محیط صلیب عیسی، عاملان، تماشاگران و متهم دیگری وجود داشتند. آیا خداوند هم در محیط صلیب نزدیک بود؟ اگر خداوند هم در آنجا حضور بود. وقتی مصلوب شدن عیسی هم کار خداست، این اتفاق هم داستان ماست. و این رویداد سرنوشته ما را تعیین می‌کند. سرنوشت من و سرنوشت تو در آنجا تصمیم گرفته شده است. جُلْجُتا، کی من در این کوه هستم؟ و وقتی که این روز به پایان می‌رسد، چگونه می‌توانم به خانه برگردم؟ جُلْجُتا من کجاست؟

از انجیل یوحنا مشخص می‌شود که جُلْجُتا فقط سرنوشت یک فرد نبوده، بلکه همه این رویداد توسط خود خدا تعیین شده است. در واقع، ما می‌توانیم از مزمور ۲۲ به عنوان برنامه می‌بینیم که قرن‌ها قبل از عیسی، به صلیب کشیدن او تعیین کرده بود. هر آنچه قبلاً در آنجا نوشته شده است در مصلوب شدن عیسی تکمیل شده است. به عنوان مثال: چهار سرباز رومی زیر صلیب عیسی. آنها برای ردای خداوند ما قرعه انداختند. این یک موضوع پیش پا افتاده است. اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، همه اینها معنای عمیق‌تری دارند. ردای عیسی مانند لباس کاهن اعظم بدون درز بود. بنابراین عیسی به عنوان کاهن اعظم واقعی ظاهر می‌شود. اگر یوحنا ننوشته بود: «تا کتاب مقدس محقق شود... این موضوع جزئی می‌شد.» هنگامی که عیسی برای آب فریاد زد، دوباره به همان مزمور ۲۲ می‌پردازیم. این دو نکته معنی دقیق‌تر صلیب عیسی به ما نشان می‌دهند. زیرا همه اینها به تفصیل در مزمور ۲۲ شرح داده شد. در آنجا نیز کلمات خداوندان را می‌یابیم: «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟» یوحنا می‌خواهد به ما بگوید که جمعه نیک ساعت بزرگ تاریکی نیست، بلکه ساعت بزرگ خداست. در اینجا، فقری نیست که به دلیل شرارت انسانها شکست خورد، بلکه در اینجا خدا به نقشه خود که قبلاً در عهد عتیق تعیین شده بود، پی می‌برد. شاید شما هم فیلم تایتانیک را بشناسید. مردم کار بزرگی کرده بودند و وقتی کشتی غرق شد فریاد زدند: «ما گم شدیم! ما شکست خوردیم و اشتباه کردیم!» سخنان عیسی بر روی صلیب، سخنان مردی نیست که اشتباه کرد و در نتیجه شکست خورد. او نمی‌گوید: «همه چیز بیهوده و شکست خورده است»، بلکه آخرین کلماتش این بود: «تمام شد!» کلمه یونانی که به کار رفته در اینجا به معنای «به هدف رساندن» است. پس به معنای پیام پیروزی است. صلیب

عیسی همه چیزهایی را که می تواند برای زندگی ما معنی داشته باشد، خلاصه می کند. پیروزی بر مرگ، امید، آسایش، آینده، صلح، آشتی، محافظت از شر! همه اینها انجام شده است! و تمام هستند!

پلاطس کتیبه ای ساخته بود. در آن نوشته شده بود: «عیسی ناصری، پادشاه یهودیان». این حکمی بود که در مورد عیسی صادر شد. معنی این کتیبه به راحتی قابل توضیح است: «عیسی» نام اوست که به معنای خدا نجات می دهد! است. «از ناصره» به این معناست که عیسی به عنوان یک روح یا موجود بهشتی ظاهر نشده بود، بلکه یک انسان واقعی بود که زندگی معمولی داشت ... و در عین حال او منجی جهان است. این کتیبه به ۳ زبان عبری، یونانی و لاتین نوشته شده بود. امروز این احتمالاً به زبان های انگلیسی، چینی و هندی نوشته می شود. آنچه واضح است این است که باید به همه زبان ها گفته شود. این عیسی نجات دهنده جهان است. یوحنا مصلوب شدن عیسی را به عنوان ساعت بزرگ خدا توصیف می کند. نه فقط برای خودش و شگردان بلکه برای کل جهان.

وقتی به وقایع صلیب نگاه می کنیم، متوجه می شویم که عیسی نمی خواهد کسی را در این کار بزرگ کنار بگذارد. حتی چشمش به دغدغه های روزمره مادرش می افتد. او از صلیب مراقبت شبانی را برای مادرش فراهم کرد. مریم یک بار پیامی از فرشته دریافت کرد که حامله خواهد شد. از آن زمان او چیزهای زیادی را با عیسی تجربه کرده است. معجزات او را دید. و حالا آخرین راه را با او تا به صلیب طی کرد. تا آخر، امید داشت، دعا کرد و با او رنج کشید. عیسی به سوی او نگاه کرد. او را در قلبش می گیرد و او را تنها نگذاشت. از این رو به مریم گفت: «اینک پسر شماست!» یوسف احتمالاً قبلاً مرده بود. یوحنا حالا مریم را به خودش می برد. بر اساس داستان های کلیسای باستانی، یوحنا با مریم به شهر افسس نقل مکان کرد. در آنجا هر دو دفن شدند. صحنه روی صلیب به ما نشان می دهد که عیسی آنچه را که مادرش نیاز دارد دید. مریم نباید تنها باشد بلکه بخشی از جامعه مسیح باشد. عیسی مادرش مریم را به یوحنا و در نتیجه به جامعه کلیسا سپرد. کلام خدا آنها را در کلیسای اولیه تقویت خواهد کرد. در این صحنه کوچک مشخص می شود که کسی که همه چیز را به انجام رسانده، و کل جهان نجات داد، مراقبت شبانی برای فرد انجام داد.

عیسی سرنوشت مادرش و ماست و با این حال بسیار انسان ها به جمعه خوب دسترسی ندارند. پلاطس خیلی نزدیک بود اما عیسی را درک نمی کرد. سربازان زیر صلیب، کسانی بودند که حتی نزدیکتر بودند. اما آنها کاری بهتر از انجام یک بازی تاس برای لباس او نداشتند. گاهی مرا به یاد ما مسیحیان می اندازند. با وجود این که ما به عیسی، کتاب مقدس و خدا بسیار نزدیک هستیم، همه آن را درک نمی کنیم. ما اصلی ترین معنی صلیب که این عیسی به خاطر گناهان ما برای ما مرده است را سرکوب کرده ایم و در عوض به چیزهای کوچک بحث می کنیم. ما در مورد لباس عیسی بحث می کنیم و بنابراین خود عیسی را نمی بینیم. شاگردان دیگر به جز یوحنا کجا بودند؟ آنها از ترس و ناامیدی فرار کردند. اکثر مردم این تصور غلط را دارند که می توانند بدون عیسی در بدترین بحران ها کنار بیایند. یا از او فرار می کنند چون فکر می کنند واقعا کمکی نمی کند. بنابراین ما ترجیح می دهیم زندگی خود را دور از عیسی طی کنیم. ما فکر می کنیم که می توانیم به تنهایی با مرگ کنار بیاییم. و ما به هیچ کس دیگری برای بخشش نیاز نداریم. خدا بهتر می داند. مریم و یوحنا نمی دانستند خدا برای آنها چه برنامه ای در نظر گرفته بود. بعدا فهمیدند. آنجا روی تپه جلعوتا موضوع درباره آنها است. اما نه تنها برای آنها بلکه برای کل جهان و برای ما نیز است. این در مورد بدی است که در قلب ما موج می زند و ما خودمان اصلاً نمی توانیم با آن مقابله کنیم. این در مورد کلیدی است که بر دروازه سنگین مرگ و شیطان و گناه پیروز می کند. در مورد کربیانی است که از آسمان محافظت می کنند و اکنون، ما را به داخل می برند. انجام شده است! اینگونه بود که عیسی این لحظه را مهر و موم کرده است.. آمین.